

بررسی روابط هوش هیجانی، سیستم‌های فعال سازی رفتاری (BAS) و بازداری رفتاری (BIS) با صفات سه‌گانه تاریک (ماکیاولیسم، خودشیفته، پسیکوپات)

سهراب امیری^۱

دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی شناختی دانشگاه ارومیه

ابوالقاسم یعقوبی

دانشیار روان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

سمیرا قره ویسی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه ارومیه

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی روابط بین هوش هیجانی، سیستم‌های فعال‌سازی رفتاری (BAS) و بازداری رفتاری (BIS) با صفات سه‌گانه تاریک شامل پسیکوپاتی، ماکیاولیسم و خودشیفته بود. به همین منظور ابتدا ۲۴۶ نفر از دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا به صورت نمونه گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب گردیدند، سپس به منظور بررسی اهداف و فرضیه‌های پژوهش، مقیاس صفات سه‌گانه تاریک (جان و پانلوس، ۲۰۱۴)، پرسش‌نامه هوش هیجانی (مایر، سالووی، کاریسو، ۱۹۹۹) و مقیاس سیستم‌های فعال‌ساز و بازداری رفتاری (کارور و وایت، ۱۹۹۴) بین شرکت‌کنندگان پژوهش توزیع گردید. داده‌های جمع‌آوری شده به منظور بررسی اهداف پژوهش، با استفاده از شاخص‌های توصیفی، ضرایب همبستگی، رگرسیون چندگانه هم‌زمان و آزمون تی جفت شده مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج بیانگر این بود که بین هوش هیجانی با هر سه صفت ماکیاولیسم، خودشیفته و پسیکوپات روابط منفی وجود داشت که این رابطه در صفت پسیکوپات روابط منفی معناداری به دست داد. روابط مثبت معنادار بین سیستم فعال‌ساز و بازداری رفتاری با صفت پسیکوپات از صفات سه‌گانه تاریک و هوش هیجانی با سیستم فعال‌ساز رفتاری

^۱ نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیکی: Amirysohrab@yahoo.com

آدرس پستی: ارومیه، خیابان والفجر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، طبقه اول، گروه روان‌شناسی

وصول: ۱۳۹۴/۱۰/۰۷ - پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۲

نشان داده شد. مقایسه دختران و پسران در صفات شخصیتی تاریک و هوش هیجانی نشان داد که دو گروه تفاوتی در صفات سه گانه تاریک نداشتند باین حال، دختران نسبت به پسران نمرات بالاتری در هوش هیجانی داشتند. واژه‌های کلیدی: پسیکوپات، خودشیفته، ماکیاولیسم، سیستم فعال‌ساز، سیستم بازداری، هوش هیجانی

An investigation into the relationships between Emotional intelligence, Behavioral Activation System (BAS), Behavioral inhibition System (BIS), and dark triad traits (Machiavellianism, Narcissism, and Psychopathy)

Amiri, S., yaghabi, A., Ghare veysi, S

(Received; 28 Dec, 2015-Accepted; 02 Mar, 2016)

Abstract

This study investigated the relationships between Emotional intelligence, behavioral activation system (BAS) and behavioral inhibition system (BIS) with dark triad traits including Machiavellianism, Narcissism, and Psychopathy. For this purpose, multi-stage cluster sampling, 246 students from the Bu Ali Sina University were selected randomly and then were asked to complete Dark Triad Traits Scale (Jones & Paulhus, 2014), Emotional Intelligence Questionnaire (Mayer, Salovey, & Caruso, 1999) and Behavioral Activation and Inhibition Scale (Carver & White, 1994). The collected data were analyzed using descriptive indicators, correlation coefficient, simultaneous multiple regression and paired t-test. The results showed not significant relationship between emotional intelligence with the traits Machiavellianism and narcissism, but significantly negative relationship between emotional intelligence with psychopathy trait. A significant positive correlation was shown between behavioral activation and behavioral inhibition systems with psychopathy trait of dark triad traits and emotional intelligence. Comparing the women and men in dark personality traits and emotional intelligence showed that the two groups had no differences in dark triad traits, however, women had higher scores in emotional intelligence than men.

Keywords: psychopathy, narcissistic, Machiavellianism, Activation system, Inhibition system, Emotional intelligence

مقدمه

هوش هیجانی مجموعه‌ای از خود ادراکی‌های هیجانی افراد از توانایی‌های هیجانی است که در سطوح پایین سلسله‌مراتب شخصیتی قرار گرفته و شامل ابعادی از شخصیت و تفاوت‌های

فردی در شیوه‌هایی است که فرد هیجان‌های مرتبط با خود و دیگران را تجربه، تشخیص، درک و تنظیم می‌کند (پتردیس، پرینز-گونزالز و فورهام، ۲۰۰۷؛ کارول، ۱۹۹۳؛ برانیکت، واهی، آرسی، جانسون، نازین و همکاران، ۲۰۰۹).

مفهوم هوش هیجانی به‌عنوان توانایی درک درست، ارزیابی و ابراز هیجان، توانایی دسترسی و ایجاد احساسات، دانش هیجانی و توانایی تنظیم هیجان به‌منظور ارتقای رشد هوشی و هیجانی تعریف گردیده است (سالووی و مایر، ۱۹۹۷؛ به نقل از سپهریان آذر، ۱۳۹۰) که منجر به افزایش نگرش‌های مثبت، بهبود روابط، جهت‌گیری بیشتر به سمت ارزش‌های مثبت و سازگاری بالاتر می‌شود (آکریودت و سورینسون، ۲۰۰۷). مطالعات ارتباط مثبت بین هوش هیجانی با سلامت روان، بهزیستی و راهبردهای مقابله‌ای مؤثرتر (بوروس، بتاکورت، هولترمن، مینکسی، مک‌کان و همکاران، ۲۰۱۲؛ مارتیز، رامالهو و مورین، ۲۰۱۰؛ زیدنر، ماتیوز و روبرت، ۲۰۱۲)، ارتباط منفی آن را با آسیب‌های روانی (مالتر، گلکس و نیومن، ۲۰۰۸؛ ویلیامز، دالی، بورسیت و وهاموند-رولی، ۲۰۱۰؛ الف؛ ویلیامز و همکاران، ۲۰۱۰؛ ب)، وابستگی الکل (یاوا، دی‌تیمری، کورتسی، میلکوجک، بلیکوی و همکاران، ۲۰۱۰)، فعالیت قشر پیشانی مغز (میکولاجیک، بودوی، لالویگس، هنس و نیل، ۲۰۱۰)، سنجش واکنش زمانی در تکالیف آزمایشگاهی (آستین، ۲۰۰۹) و خشنودی از روابط بین فردی (اسمیت، کیاروچی و هوون، ۲۰۰۸) و همچنین اثرات تعدیل‌کننده، واسطه‌ای و افزایشی هوش هیجانی بر روی سلامت کلی، وضعیت اجتماعی-هیجانی و رضایت از زندگی را نشان داده‌اند (جانسون، باتی و هولدوورث، ۲۰۰۹؛ مارودی، پتردیس، سنگارو و فورهام، ۲۰۰۹؛ پتردیس، پیتا و کوکیکی، ۲۰۰۷؛ الف؛ ساکلوفسکی، آستین و مینسکی، ۲۰۰۳).

با این حال، در ارتباط بین هوش هیجانی و صفات تاریک پژوهش‌چندانی انجام نشده است و پژوهش‌ها تنها به‌طور جداگانه صفات سه‌گانه تاریک^۱ را با اشاره به هوش هیجانی یا برخی از ابعاد آن مورد بررسی قرار داده و بینشی اولیه درباره روابط بالقوه بین این متغیرها فراهم ساخته‌اند (پتردیس، ورنون، شرمر و وسلکا، ۲۰۱۱)؛ بنابراین، هوش هیجانی می‌تواند به درک نقش توانایی‌های هیجانی در صفات شخصیتی تاریک که بدکارکردی هیجانی را تجربه می‌کنند کمک کند (زانگ، زو، وانگ و فینی، ۲۰۱۵).

^۱ Dark triad

صفات سه گانه تاریک به سازه‌های شخصیتی خودشیفته^۱، ماکیاولیسم^۲ و پسیکوپات^۳ اشاره دارد که مستقل اما مرتبط با یکدیگر هستند (پائولوس و ویلیامز، ۲۰۰۲). خودشیفته اشاره به بزرگنمایی خود، حس بزرگی از خود ارزشمندی، استحقاق، تسلط و برتری دارد (توینگ و کمپل، ۲۰۰۳). تکانش‌گری، جست‌وجوی هیجان، فقدان ندامت، اضطراب و فقدان همدلی، پسیکوپات را شامل می‌گردد (پائولوس و ویلیامز، ۲۰۰۲). در نهایت، ماکیاولیسم بیان‌کننده بهره‌کشی از دیگران در جهت منافع خود از طریق اتخاذ سبک بین فردی ناسازگارانه و همچنین رفتارهای برتری طلبانه، عدم صمیمت و سنگدلی است (ویلسون، نیر و میلر، ۱۹۹۶؛ کریستی و جنیس، ۱۹۷۰؛ جاکوویتز و اگان، ۲۰۰۶). پژوهش پیرامون روابط بین پسیکوپات و هوش هیجانی، از مدل نامتجانس پسیکوپات بهره برده است. بر این اساس، پسیکوپات شامل دو زیر گروه است: پسیکوپاتی اولیه (شامل خودخواهی، سنگدلی، فقدان عاطفه بین فردی، جذابیت ظاهری و بی‌رحمی) و پسیکوپاتی ثانویه (شامل سبک زندگی و رفتارهای ضداجتماعی) (لونسون، کینل و فیتزپاتریک، ۱۹۹۵). پسیکوپاتی اولیه به‌طور منفی با هیجان‌ها همبسته است و افراد با نمرات بالای پسیکوپاتی گرایش نزولی به سمت توجه به هیجان‌های خود نشان می‌دهند (مالتر و همکاران، ۲۰۰۸). پسیکوپاتی ثانویه به‌طور منفی با بهبود خلق مرتبط است و نمرات بالا در پسیکوپاتی ثانویه منجر به اطمینان کمتر نسبت تنظیم خلق و بهبود هیجان‌های منفی می‌شود. محققان این یافته‌ها را به‌عنوان شواهدی بیان داشته‌اند که نشان می‌دهد پسیکوپاتی ممکن است بنیانی از نقایص هیجانی باشد که عدم حساسیت نسبت به اطلاعات هیجانی را ایجاد می‌کند (پاتریک و لانگ، ۱۹۹۹). صفت ماکیاولیسم به‌طور مثبت با تجربه عاطفه مثبت ناشی از محرک‌های القاء‌کننده منفی و تجربه عاطفه منفی در پاسخ به محرک‌های خنثی مرتبط است (علی، آموریمو چامزو-پرازیک، ۲۰۰۹؛ آستین، فرارلی، بلک و مور، ۲۰۰۷) و مطالعات پیرامون ماکیاولیسم و هوش هیجانی روابط منفی بین این دو سازه را مورد توجه قرار داده‌اند (علی و همکاران، ۲۰۰۹؛ پیلچ، ۲۰۰۸؛ پتردیس و همکاران، ۲۰۱۱). خودشیفتگی منعکس‌کننده حس بالایی از خود ارزشمندی به‌عنوان بُعد اساسی از هوش هیجانی است که گرایش به همبستگی

¹ Narcissism

² Machiavellianism

³ Psychopathy

مثبت با عزت نفس دارد (راسکین، نوویدیسک و هوگان، ۱۹۹۱)، همانند صفات پسیکوپات و ماکیاولیسم، ارتباط خودشیفتگی با سطوح پایین‌تر همدلی منجر به این دیدگاه گردیده است که صفت خودشیفته ممکن است به لحاظ هیجانی نسبت به دیگران بی تفاوت و غیر پاسخ‌گو باشد (واتسون، گریشمن، تروتر و بیدرمن، ۱۹۸۴؛ واتسون و موریس، ۱۹۹۱). هرچند خودشیفتگی به‌طور مثبت با برخی از ابعاد هوش هیجانی شامل ابراز وجود (واتسون، مک کینی، هاوکینز و موریس، ۱۹۸۸)، شادکامی (رژ، ۲۰۰۲)، خوش‌بینی (فارول و ووهن-لوید، ۱۹۹۸؛ هاگمن، واتسون و موریس، ۱۹۹۶)، انگیزش پیشرفت (ترجسبورگ و دیون‌ووردن، ۱۹۸۷)، روابط موفق (فوستر و کمپل، ۲۰۰۵؛ وارگا، ۱۹۸۷) مرتبط است، با این حال روابط بین خودشیفتگی و هوش هیجانی کلی کمتر در مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است (فارول و وُهلن-لوید، ۱۹۹۸؛ کمپبل و فوستر، ۲۰۰۷). در مجموع، پژوهش‌ها بیان می‌کنند که صفات سه‌گانه تاریک (پسیکوپاتی، ماکیاولیسم و خودشیفتگی) با سطوح پایین‌تر همدلی و تجربه هیجان منفی به‌عنوان یک مؤلفه هیجانی رابطه داشته و به‌ویژه نمرات بالا در پسیکوپاتی موجب دشواری تجربه هیجان‌های منفی می‌گردد (علی و همکاران، ۲۰۰۹؛ آستین و همکاران، ۲۰۰۷؛ ویا و تیلیمپولس، ۲۰۱۲)؛ بنابراین، دشواری در پردازش حالات هیجانی ممکن است نقش اساسی در شکل‌گیری صفات تاریک به‌ویژه تمایلات پسیکوپات داشته باشد با این حال، نقش ابعاد هیجانی به‌ویژه هوش هیجانی در ارتباط با صفات تاریک شخصیتی چندان مورد توجه قرار نگرفته است و روابط آن‌ها مبهم به نظر می‌رسد (مالتر و همکاران، ۲۰۰۸؛ علی و همکاران، ۲۰۰۹). از طرفی، یکی از موضوع‌های رایج در تحقیقات شخصیت ایجاد چارچوب مناسبی از صفات شخصیتی است، به‌طوری که تمام ابعاد شخصیتی بهنجار و نابهنجار در قالب یک مدل شخصیتی ارائه گردد (وسلکا، شرمر و ورنون، ۲۰۱۲).

ساختارها و سلسله‌مراتب بسیاری درباره صفات شخصیتی پیشنهاد شده است که هر کدام دیدگاه‌های منحصر به فردی درباره شیوه سازمان‌دهی صفات شخصیت ارائه می‌کنند (دی‌یونگ، پترسون و هانگ، ۲۰۰۲؛ دیگما، ۱۹۹۷؛ آیزنک و آیزنک، ۱۹۷۶؛ لی و اشتون، ۲۰۰۴، ماسک، ۲۰۰۷). انتقادهایی اصلی در ارتباط با نظریه‌های شخصیتی مانند پنج عامل بزرگ، در ارتباط با ناقص بودن این مقیاس‌ها و ناتوانی در پوشش دادن ابعاد شخصیتی پنهان مطرح گردیده

است. به‌ویژه بیان شده است که این مدل‌های شخصیتی به‌طور کامل تفاوت‌های فردی در کارکردهای شخصیتی انسان را در برنمی‌گیرد و ابعاد شخصیتی ضداجتماعی و غیر بالینی را نادیده گرفته‌اند (بلاک، ۲۰۱۰؛ بویل، ۲۰۰۸). بر این اساس، برخی از محققان در بررسی ابعاد مرتبط با سه گانه تاریک، مقیاس‌های شخصیتی مانند پنج عامل بزرگ را با مقیاس‌های سه‌گانه تاریک مکمل ساخته‌اند (هادسون، هوگ و ماکلینس، ۲۰۰۹؛ جانسون، لی و تیچنر، ۲۰۱۰؛ ویلیامز، ناتسن و پائوس، ۲۰۱۰). چنین مطالعاتی نشان‌دهنده توجه محققان به این موضوع است که مدل پنج عامل بزرگ به‌عنوان یکی از شناخته‌شده‌ترین مدل‌ها درباره ساختار شخصیت در شمول قرار دادن تفاوت‌های فردی نامتناسب است و اینکه پیوند دادن صفات سه‌گانه تاریک در قالب پنج عامل بزرگ شیوه مؤثری برای اصلاح این نقص بود (لی و اشتون، ۲۰۰۵؛ وسلکا و همکاران، ۲۰۱۲). از طرفی مدل شخصیت گری (۱۹۸۷)، در حال حاضر از شناخته‌ترین نظریه‌های شخصیتی پیشنهاد شده است که از طریق آن ساختار شخصیت مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد (گری، ۱۹۸۷). نظریه حساسیت به تقویت (RST) (گر، ۲۰۰۴؛ ۲۰۰۸؛ گری و مک‌ناقتون، ۲۰۰۰)، نظریه‌ای عصبی-زیستی شخصیت است که سه سیستم پایه مغزی، سیستم فعال‌ساز رفتاری (BAS)^۱، سیستم بازداری رفتاری (BIS)^۲ و سیستم جنگ-گریز-انجماد (FFFS)^۳ را مبنای تفاوت‌های فردی مشاهده‌شده در شخصیت بیان می‌کند (گر، ۲۰۰۸). سیستم فعال‌ساز رفتاری (BAS) به‌عنوان سیستمی روی آوردی رفتاری^۴ زیربنای رفتار گرایشی در پاسخ به نشانه‌های شرطی و غیرشرطی پاداش مفهوم‌سازی شده است و با صفات تکانشی و برون‌گرایی^۵ مرتبط است (گر، ۲۰۰۸). سیستم دوم، سیستم بازداری رفتاری (BIS) است که تعارض‌های بین اهداف رقابتی (تعارض‌های گرایش-اجتنابی) را از طریق بازداری رفتاری، افزایش انگیزش و ارزیابی خطر حل می‌سازد و همچنین بنیان اضطراب و صفت شخصیتی روان‌رنجوری است (گر، ۲۰۰۴؛ گری و مک‌ناقتون، ۲۰۰۰). درنهایت، سیستم جنگ-گریز-انجماد (FFFS) بازنمایی‌کننده سیستم اجتنابی تدافعی است که اجتناب و رفتار فرار در پاسخ به

^۱ Behavioural Activation System

^۲ Behavioural Inhibition System

^۳ Fight-Flight-Freeze System

^۴ Behavioural Approach System

^۵ Impulsive and extroverted

محرك بيزاری شرطی و غير شرطی را برانگیخته و ترس و وحشت‌زدگی را منجر می‌گردد (گری و مک‌ناقتون، ۲۰۰۰).

با توجه به آنچه بیان گردید پژوهش پیرامون صفات تاریک شخصیتی توجه زیادی را در سال‌های اخیر جلب کرده و منجر به ایجاد شبکه نظام‌مندی از پژوهش‌ها گردیده است و مطالعات نشان‌دهنده نقش ابعاد هیجانی در صفات تاریک شخصیتی است (علی و همکاران، ۲۰۰۹). با این حال، یافته‌های مختلط پیرامون روابط بین ابعاد هیجانی به‌ویژه هوش هیجانی و صفات سه‌گانه تاریک در ادبیات پژوهشی وجود دارد (جانسون و کاریس، ۲۰۱۳). غالب پژوهش‌های انجام شده بر روی صفات تاریک شامل گروه‌های جمعیتی مانند افراد زندانی و متخلفان دارای اختلال‌های روانی است. با این حال تمام افراد با صفات تاریک در چنین گروه‌هایی نیستند، از این رو ادبیات پژوهشی به تدریج در راستای بررسی صفات تاریک در جمعیت‌های عمومی و بهنجار پدیدار شده است که بیان‌کننده این است که صفات تاریک باید در افراد بهنجار نیز مورد پژوهش قرار گیرد (بور و فریتزن، ۲۰۰۵؛ روز، لوتز و بایدلی، ۲۰۰۴؛ لونسون، ۱۹۹۲). از طرفی، تحقیق پیرامون چگونگی گنجاندن صفات شخصیتی ناسازگارانه غیر بالینی در تغییرات طبقه‌بندی از DSM-IV-TR به DSM-5 دارای اهمیت بوده و سیستم طبقه‌بندی جدید اختلال‌های شخصیت، طبقات را در قالب انواع اختلال‌های شخصیتی حفظ کرده است و همچنین در جاتی بُعدی برای انطباق مناسب با صفات شخصیتی را به این سیستم طبقه‌بندی افزوده است که بازنمایی‌کننده تغییر از طبقه‌بندی صرف به سمت دربرگرفتن صفات شخصیتی غیر بالینی در ابعاد آسیب‌شناسی شخصیت است (استد، فکن، کای و مک‌درمونت، ۲۰۱۲) و از جمله صفات شخصیتی غیر بالینی، صفات سه‌گانه تاریک شامل پسیکوپات، ماکیاولیسم و خودشیفته است (جان و پائوس، ۲۰۱۴). در مجموع، با توجه به نقش ابعاد هیجانی در ارتباط با صفات سه‌گانه تاریک و همچنین فرضیه وجود روابط بین سازه‌های شخصیتی مبتنی بر نظریه حساسیت به تقویت با صفات سه‌گانه تاریک و همچنین مطالعاتی که تفاوت‌های جنسی در صفات شخصیتی تاریک (کریستی و جنیس، ۱۹۷۰؛ دُمل‌اسمیت و دیچ، ۱۹۷۸؛ ویلسون، نیر و میلر، ۱۹۹۶) را بیان داشته‌اند؛ پژوهش حاضر به بررسی این موضوع پرداخت که تا چه میزان صفات تاریک پسیکوپات، ماکیاولیسم و خودشیفته بنیان یکسانی داشته و بررسی گستره‌ای است

که این صفات با ابعاد هوش هیجانی و صفات شخصیتی بهنجار مبتنی بر سیستم‌های فعال‌ساز و بازداری رفتاری مرتبط است.

روش

جامعه آماری و نمونه آماری: پژوهش حاضر با توجه به نوع متغیرهای و شیوه گردآوری داده‌ها به طرح‌های توصیفی از نوع همبستگی تعلق دارد. به‌منظور گردآوری داده‌های پژوهش از میان جامعه آماری (شامل حدود ۱۲۰۰۰ دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه بوعلی سینا تعداد ۲۴۶ نفر بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و بر اساس شیوه پژوهش که همبستگی است این میزان نمونه انتخاب شدند. از مجموع شرکت‌کنندگان میزان دانشجویان مقطع کارشناسی ۱۵۳ نفر (۶۲/۲٪)، مقطع ارشد ۷۱ نفر (۲۸/۹٪) و مقطع دکتری ۲۲ نفر (۸/۹٪) بودند که از بین دانشکده‌های فنی و مهندسی ۵۰ نفر (۲۰/۳٪)، ادبیات و علوم انسانی ۸۶ نفر (۳۵٪)، اقتصاد و علوم اجتماعی ۵۲ نفر (۲۱/۱٪) و کشاورزی ۵۸ نفر (۲۳/۶٪) انتخاب گردیدند. در ادامه خصوصیات توصیفی و جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی شرکت‌کنندگان پژوهش

گروه	تعداد/درصد	سن M (SD)	وضعیت تأهل	
			متاهل	مجرد
دختر	۱۳۹ (۵۶/۵)	۲۱/۲ (۱/۸۸)	۱۱۰	۲۹
پسر	۱۰۷ (۴۳/۵)	۲۱/۸۳ (۱/۶۹)	۸۵	۲۲
کل	۲۴۶ (۱۰۰)	۲۱/۲ (۱/۸۵)	۱۹۵	۵۱

ابزارهای اندازه‌گیری: مقیاس سه‌گانه تاریک کوتاه (SD3): مقیاس صفات سه‌گانه شامل ۲۷ ماده و سه زیرمقیاس است. هر یک از سه زیرمقیاس این پرسش‌نامه نیز شامل ۹ ماده است که به‌منظور ارزیابی سه صفت شخصیتی ماکیاویلیسم، خودشیفته و پسیکوپات به کار می‌روند. ماده‌های این مقیاس بر اساس میزان موافقت یا مخالفت شرکت‌کننده با سؤال‌های مقیاس از طریق طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. لازم به ذکر است که تهیه‌کنندگان مقیاس نمره برش جهت صفات سه‌گانه تاریک مشخص ساخته‌اند و به این منظور باید از نمرات استاندارد شده بهره گرفت. در پژوهش جان و پائولوس

(۲۰۱۴) دامنه ضرایب آلفای ۰/۶۸ تا ۰/۷۴ و همچنین همبستگی درونی ۰/۲۲ تا ۰/۴۰ برای زیر مقیاس‌های این مقیاس به دست آمده است. پژوهشگران این مقیاس را بر روی چندین نمونه جمعیتی وسیع (N=۷۶۸) اجرا کردند. اعتبارسنجی هم‌تا نیز بر روی ۶۵ دانشجوی صورت پذیرفت (جان و پائولوس، ۲۰۱۴). زیرمقیاس‌ها ضرایب آلفای کرونباخ بین ۰/۷۰ تا ۰/۸۰ در نمونه اعتبارسنجی متقابل نشان دادند (جان و پائولوس، ۲۰۱۴). ضرایب باز آزمایی در بازه زمانی دو هفته ۰/۷۷ تا ۰/۸۴ گزارش شده است (پائولوس و جان، ۲۰۱۱). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سه گانه تاریک در جامعه ایران بیانگر ویژگی‌های مطلوب این بود، ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های پسیکوپات، ماکیاولیسم و خودشیفتگی به ترتیب برابر با ۰/۶۹، ۰/۷۱ و ۰/۸۲ به دست آمده است. همچنین ضرایب باز آزمایی برابر با ۰/۷۹، ۰/۶۶ و ۰/۷۳ گزارش گردیده است که نشان‌دهنده ثبات مطلوب این مقیاس است (یعقوبی و امیری، زیر چاپ).

مقیاس سیستم فعال‌ساز و بازداری رفتاری (BAS/BIS): این مقیاس توسط کارور و وایت (۱۹۹۴) تهیه شده است، شامل ۲۴ ماده و ۴ مقیاس است که ۷ ماده آن مربوط به BIS و ۱۳ ماده آن مربوط به BAS (۴ سؤال مربوط به زیر مقیاس سائق^۱، ۴ سؤال مربوط به زیر مقیاس جستجوی لذت^۲ و ۵ سؤال مربوط به زیر مقیاس پاسخ‌دهی به پاداش) است. ۴ ماده‌ی دیگر این پرسش‌نامه خنثی است. ماده‌ها بر اساس یک مقیاس چهاردرجه‌ای (از ۱= کاملاً مخالف تا ۴= کاملاً موافق) توسط آزمودنی رتبه‌بندی می‌شوند. کارور و وایت (۱۹۹۴) ثبات درونی مقیاس BIS و زیر مقیاس‌های سائق، جستجوی شادی و پاسخ‌دهی را به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۳، ۰/۷۶، ۰/۶۶، گزارش کردند. در مطالعه‌ای که امیری و حسنی (زیر چاپ) به منظور بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سیستم‌های فعال‌ساز و بازداری رفتاری در جامعه ایرانی انجام دادند ثبات درونی پرسش‌نامه BIS را ۰/۶۹ و ثبات درونی زیر مقیاس‌های BAS را به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۷۴، ۰/۶۵ و همچنین ثبات درونی کل زیر مقیاس BAS را برابر با ۰/۷۸ گزارش نموده است. برآورد پایایی باز آزمون در فاصله زمانی دو هفته برای زیرمقیاس‌های بازداری رفتاری (BIS) و زیر مقیاس‌های BAS شامل سائق، جست‌وجوی شادی و پاسخ‌دهی و کل مقیاس BAS به ترتیب برابر ۰/۶۸، ۰/۷۱، ۰/۷۳،

¹ Drive² Fun Seeking

۰/۶۲ و ۰/۷۱ به دست آمد که همگی معنادار بود (امیری و حسنی، زیر چاپ).
 مقیاس هوش هیجانی شات: مقیاس خود سنجی هوش هیجانی شات بر اساس الگوی اولیه
 مایر و سالووی ساخته شده است (مایر، سالووی، کاریسو، ۱۹۹۹). این مقیاس در قالب ۳۳
 جمله‌ی توصیفی دارای سه مؤلفه است که عبارت‌اند از مؤلفه‌ی تنظیم هیجان، مؤلفه‌ی ارزیابی و
 بیان هیجان و مؤلفه بهره‌برداری از هیجان. این ابزار را می‌توان به صورت فردی یا گروهی اجرا
 کرد. سیستم نمره‌گذاری آن به این صورت است که آزمودنی درجه‌ی موافقت یا مخالفت خود
 را با هر یک از جمله‌ها در طیف لیکرت پنج گزینه‌ای کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۵ انتخاب
 می‌کند (مایر و همکاران، ۱۹۹۹). این ابزار در پژوهش‌های زیادی به کار گرفته شده و از روایی
 و اعتبار قابل قبولی برخوردار است. از جمله پایایی آن توسط سیاروچی، دیانز و اندرسون (۲۰۰۲)
 برای کل مقیاس $\alpha = 0/84$ و برای خرده مقیاس ارزیابی و بیان هیجان $\alpha = 0/76$ ، تنظیم هیجان
 $\alpha = 0/66$ و بهره‌برداری از هیجان $\alpha = 0/55$ گزارش شده است. در مطالعه خسرو جاوید (۱۳۸۱)
 $\alpha = 0/81$ گزارش شده است.

شیوه گردآوری و تحلیل داده‌ها

به منظور گردآوری داده‌های پژوهش، پژوهش‌گر در بین شرکت‌کنندگان نهایی تحقیق حاضر
 یافته و پس از توضیح فرایند اجرا، پرسش‌نامه صفات سه‌گانه تاریک (جان و پائولوس، ۲۰۱۴)،
 هوش هیجانی (شات، مالف، هال، هاگرتی، کوپر و همکاران، ۱۹۹۸) و مقیاس سیستم‌های
 فعال‌ساز و بازداری رفتاری (کارور و وایت، ۱۹۹۴) را بین شرکت‌کننده‌ها توزیع نمود تا پاسخ
 دهند، در حین گردآوری داده‌ها پژوهشگر حضوری فعال داشت تا ضمن پاسخ‌گویی به موارد
 ابهامی از پاسخ‌دهی تصادفی جلوگیری نماید. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار
 SPSS-19 و آماره‌هایی همچون میانگین و انحراف استاندارد، ضرایب همبستگی و تی جفت
 شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج

به منظور آزمون روابط بین متغیرهای صفات سه‌گانه تاریک، صفات شخصیتی مبتنی بر
 سیستم‌های فعال‌ساز و بازداری رفتاری و هوش هیجانی، از ضرایب همبستگی پیرسون استفاده

گردید که نتایج آن در جداول ۳ ارائه شده است.

جدول ۲: ضرایب همبستگی بین صفات سه‌گانه تاریک، سیستم‌های فعال‌ساز و بازداری و هوش هیجانی

متغیرها	M (SD)	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
ماکیاولیسم	۳۰/۱ (۴/۷۵)										
خودشیفته	۲۸/۹ (۳/۵۴)	**۰/۴۴									
پسیکوپات	۲۵/۸ (۳/۸۴)	**۰/۳۱	**۰/۴۲								
تنظیم هیجان	۳۴/۰ (۷/۰۱)	-/۰۰۴	-/۰۱۶	**۰/۲۹							
ارزیابی و بیان هیجان	۴۵/۳۰ (۸/۸۶)	-/۰۰۳	-/۰۱۴	**۰/۳۳	**۰/۸۷						
بهره‌برداری از هیجان	۳۳/۸ (۷/۲۱)	-/۰۰۸	-/۰۰۳	**۰/۳۳	**۰/۸۳	**۰/۸۵					
سائق	۱۲/۰۵ (۱/۶۹)	۰/۱۹	-/۰۰۷	۰/۱۹	**۰/۳۱	۰/۲۲	۰/۱۱				
جست‌وجوی لذت	۱۶/۳۵ (۱/۶۵)	**۰/۲۴	-/۰۰۹	**۰/۲۶	۰/۱۰	۰/۰۴	-/۰۰۵	۰/۲۱			
پاسخ‌دهی به پاداش	۱۶/۳۵ (۲/۸۰)	۰/۰۴	-/۰۰۶	-/۰۰۱	**۰/۵۶	**۰/۵۹	**۰/۶۰	**۰/۲۸	**۰/۳۵		
سیستم بازداری رفتاری	۱۹/۷ (۲/۸۷)	۰/۱۳	-/۰۱۱	**۰/۲۸	۰/۰۲	-/۰۰۳	۰/۰۰۹	-/۰۱۹	**۰/۴۸	**۰/۲۹	
N=۳۴۶											

**= P<۰.۰۱ * = P<۰.۰۵

نتایج جدول شماره ۲ نشان‌دهنده وجود روابط معنادار بین متغیر سیستم‌های فعال‌ساز و بازداری رفتاری، هوش هیجانی و صفات سه‌گانه تاریک است. به طوری که رابطه منفی بین هوش هیجانی و صفات سه‌گانه تاریک به دست آمد که روابط بین زیرمقیاس‌های ارزیابی و بیان هیجان، بهره‌برداری از هیجان (P<۰/۰۰۱) و تنظیم هیجان (P<۰/۰۱) با صفت پسیکوپات معنادار بود. همچنین همبستگی مثبت معنادار (P<۰/۰۱) بین سیستم بازداری رفتاری و زیرمقیاس جست‌وجوی لذت با زیرمقیاس‌های پسیکوپات و ماکیاولیسم به دست آمد (P<۰/۰۰۱). بررسی روابط بین هوش هیجانی و سیستم‌های مغزی-رفتاری نشان‌دهنده وجود روابط مثبت معنادار بین دو مؤلفه سیستم فعال‌ساز رفتاری و هوش هیجانی بود. به‌منظور آزمون مدل پیش‌بینی صفات سه‌گانه تاریک (ماکیاولیسم، خودشیفته و پسیکوپات) از طریق متغیرهای پیش‌بین هوش هیجانی و سیستم فعال‌ساز رفتاری (BAS) و سیستم بازداری رفتاری (BIS) از مدل رگرسیون چندگانه هم‌زمان استفاده شد. لازم به توضیح است که انتخاب این شیوه از تحلیل رگرسیون به دلیل ضعف پیشینه پژوهشی جهت تعیین ترتیب ورود متغیرها به مدل پیش‌بینی بود؛ که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون صفات سه گانه تاریک بر هوش هیجانی و سیستم‌های مغزی-رفتاری

متغیر وابسته	متغیر پیش‌بین	B	SE	Beta	T	P	R	R ²	F
ماکیاولیسم	سیستم فعال‌ساز	۰/۲۳۷	۰/۱۶۴	۰/۲۲۷	۱/۴۴	۰/۱۵۴	۰/۲۲۱	۰/۰۴۹	۱/۱۲
	سیستم بازداری	۰/۰۶۶	۰/۲۲۸	۰/۰۴۰	۰/۲۹۱	۰/۷۷۲			
	هوش هیجانی	-۰/۰۲۷	۰/۰۳۲	-۰/۱۱۹	-۰/۸۳۹	۰/۴۰۵			
خودشیفته	سیستم فعال‌ساز	-۰/۰۹۱	۰/۱۲۴	-۰/۱۱۶	-۰/۷۳۲	۰/۴۶۷	۰/۱۷۰	۰/۰۲۹	۰/۶۵۷
	سیستم بازداری	۰/۱۹۸	۰/۱۷۱	۰/۱۶۱	۱/۱۵	۰/۲۵۲			
	هوش هیجانی	-۰/۰۰۶	۰/۰۲۴	-۰/۰۳۸	-۰/۲۶۸	۰/۴۹۰			
پسیکوپات	سیستم فعال‌ساز	۰/۲۳۳	۰/۱۲۰	۰/۲۷۶	۱/۹۳	۰/۰۵۷	۰/۴۷۳	۰/۲۲۴	۶/۳۳
	سیستم بازداری	۰/۲۳۳	۰/۱۶۶	۰/۱۷۴	۱/۴۰	۰/۱۶۵			
	هوش هیجانی	-۰/۰۸۰	۰/۰۲۳	-۰/۴۴۳	-۳/۴۴	۰/۰۰۱			

نتایج معادله رگرسیون در جدول ۳ در مورد متغیر ملاک ماکیاولیسم نشان می‌دهد متغیرهای پیش‌بین سیستم فعال‌ساز، سیستم بازداری و هوش هیجانی به ترتیب ۰/۰۴۹، ۰/۰۲۹ و ۰/۲۲۴ درصد واریانس صفات ماکیاولیسم، خودشیفته و پسیکوپاتی را تبیین می‌کنند که در مورد صفت پسیکوپات معادله رگرسیون معنادار است. در ادامه جهت بررسی تفاوت‌های جنسی در متغیرهای صفات سه گانه تاریک، سیستم‌های مغزی-رفتاری و هوش هیجانی از آزمون تی جفت شده استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۴ درج شده است.

جدول ۴: آزمون تی جفت شده مقایسه دختران و پسران در متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته	ارزش آزمون	DF	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معناداری
ماکیاولیسم	-۰/۸۵	۲۴۴	-۱/۰۳	۱/۲۱	۰/۳۹۷
خودشیفته	۱/۴۹	۲۴۴	۱/۳۳	۰/۸۹	۰/۱۳۹
پسیکوپات	۰/۳۶	۲۴۴	۰/۳۶	۰/۹۸	۰/۷۱۳
هوش هیجانی	-۳/۰۶	۲۴۴	-۱۶/۱۶	۵/۲۷	۰/۰۰۳
سیستم فعال‌ساز رفتاری	-۲/۰۳	۲۴۴	-۲/۳۰	۱/۱۳	۰/۰۴۶
سیستم بازداری رفتاری	-۱/۴۰	۲۴۴	-۱/۰۱	۰/۷۲	۰/۱۶۵

همچنان که نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد بین زنان و مردان در هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد، به طوری که مردان در مقایسه با زنان نمرات پایین‌تری نشان دادند؛ اما در سایر مؤلفه‌ها تفاوت معناداری بین دو جنس یافت نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

صفات سه‌گانه تاریک توجه پژوهشی بسیاری در سال‌های اخیر جلب کرده و مطالعات نشان داده است که این صفات برای فرد و جامعه مضر بوده و با تمایلات ضداجتماعی، پرخاشگری، توافق ناپذیری، مصرف الکل، سیگار و مواد مرتبط هستند (کوالسکی، ۲۰۰۱؛ لی و اشتون، ۲۰۰۵؛ جونز و پاولوس، ۲۰۱۰؛ پالوس و ویلیامز، ۲۰۰۲؛ جونستون، کنوینز و توست، ۲۰۱۰). بر این اساس هدف پژوهش حاضر روشن ساختن روابط بین صفات سه‌گانه تاریک با هوش هیجانی و سیستم‌های فعال‌ساز رفتاری و بازداری رفتاری به‌عنوان مؤلفه‌های نظریه شخصیتی حساسیت به تقویت (RST) بود. جهت بررسی اهداف و فرضیه‌های پژوهش ابتدا مجموع همبستگی‌های بین متغیرهای صفات سه‌گانه تاریک، هوش هیجانی و سیستم‌های فعال‌ساز و بازداری رفتاری محاسبه گردید. مشخص گردید که هوش هیجانی برای سلامتی روانی دارای اهمیت بوده و به‌طور معکوس با آسیب‌های روانی مرتبط است (علی و همکاران، ۲۰۰۹؛ مالتر و همکاران، ۲۰۰۸؛ ویلیامز و همکاران، ۲۰۱۰؛ مارتین و همکاران، ۲۰۱۰) به‌طور که افراد با هوش هیجانی بالا خود را به‌صورت افراد دارای همدلی و خوش خلق می‌بینند (پتردیس و همکاران، ۲۰۱۰؛ روشن و همکاران، ۲۰۰۹)؛ در همین راستا بررسی نتایج همبستگی هوش هیجانی و صفات تاریک نشان داد که رابطه منفی بین تنظیم هیجان ($P < 0.01$)، ارزیابی و بیان هیجان و بهره‌برداری از هیجان ($P < 0.01$) با هر سه مؤلفه پسیکوپات، ماکیاولیسم و خودشیفته وجود دارد؛ که این روابط در مورد مؤلفه پسیکوپات معنادار نشان داد. روابط منفی بین هوش هیجانی با ماکیاولیسم در قالب نظریه هوش هیجانی آشکار می‌گردد و این همبستگی همسو با یافته‌های مطالعات قبلی که روابط منفی بین هوش هیجانی و ماکیاولیسم را بیان کرده‌اند (علی و همکاران، ۲۰۰۹؛ آستین و همکاران، ۲۰۰۷). افراد با نمرات بالا در مقیاس ماکیاولیسم و پسیکوپاتی، گرایش بیشتری به سمت نشان دادن نقص در ابراز و درک اطلاعات هیجانی دارند. تحقیقات ژنتیک رفتاری پیرامون این روابط نشان داده است که تقریباً تمام همبستگی‌های معنادار در این موارد، قابل اسناد به عامل ژنتیکی مشترک و عامل‌های محیطی غیرمشترک هستند. بدین معنا که این نتایج نشان‌دهنده همپوشی قابل توجه در ژن‌های مرتبط با توانایی‌های هیجانی و صفات سه‌گانه تاریک است، همان‌طور که جانسون و همکاران (۲۰۰۸) در ارتباط با

سایر متغیرهای شخصیتی نشان دادند، روابط هوش هیجانی و صفات تاریک شخصیت اغلب به عوامل ژنتیکی مرتبط و عامل‌های محیطی غیرمشترک نسبت داده شده است. این بیان می‌کند ژن‌هایی که در تفاوت‌های فردی در صفات سه‌گانه تاریک نقش دارند در تفاوت‌های فردی در هوش هیجانی کلی نیز سهم هستند. نتایج تحلیل‌های ژنتیک رفتاری می‌تواند به درک دلایل بنیادی روابط مشاهده‌شده بین صفات سه‌گانه تاریک و هوش هیجانی کمک کند؛ بنابراین روابط بین صفات پسیکوپات و ماکیاولیسم با هوش هیجانی در قالب همپوشی بین ساختارهای ژنتیکی بین این سازه‌ها تبیین پذیر به نظر می‌رسد هرچند بررسی این روابط نیازمند مطالعات فراگیرتر و با پوشش دادن گروه‌های جمعیتی وسیع است. از طرف دیگر، پژوهش حاضر روابط منفی بین هوش هیجانی و خودشیفتگی نشان داد. این یافته با نتایج پیشین مبنی بر اینکه خودشیفتگی با هوش هیجانی بالا رابطه دارد، نا همسویی نشان داد (پتردیس و همکاران، ۲۰۱۰؛ فوستر و کمپل، ۲۰۰۵؛ راسکین و همکاران، ۱۹۹۱؛ واتسون و همکاران، ۱۹۸۸). از دیدگاه‌های نظری گوناگون، محققان پیش‌بینی می‌کنند که صفات سه‌گانه تاریک باید دارای نقایص هیجانی باشند. با این حال، به‌طور غالب روان‌شناسان تکاملی این نتیجه‌گیری را نمی‌کنند که صفات سه‌گانه تاریک ضرورتاً آسیب‌شناختی هستند و نیازمند درمان. در عوض دیدگاه تکاملی بیان می‌کند که تفاوت‌های فردی بازنمایی‌کننده سیستم‌های منسجم و هماهنگی است که تعقیب اهداف انطباقی را تسهیل می‌سازد (بوس، ۲۰۰۹؛ جانسون و همکاران، ۲۰۱۲). به نظر می‌رسد که روابط بین صفات سه‌گانه تاریک و نقایص هیجانی، نشان‌دهنده همین باشد. بدین معنا که داشتن سطوح پایین همدلی، توانایی یا انگیزه اندک برای ارتباط دادن هیجان‌های خود با دیگران و پرداختن به هیجان‌ها، تسهیل‌کننده راهبردهای اجتماعی خصومت‌آمیزی باشد که در قالب صفات سه‌گانه تاریک گنجانده شده‌اند. در واقع جهت‌گیری بیرونی افراد با صفات سه‌گانه تاریک ممکن است نشان‌دهنده این باشد که آن‌هایی که در سه‌گانه تاریک به‌ویژه پسیکوپاتی بالا هستند، زمان اندکی را صرف توجه به دنیای درونی خود کرده و در عوض بیشتر بر روی چیزی که از دنیای بیرونی به دست می‌آورند تمرکز کرده‌اند. به عبارت دیگر، صرف زمان زیاد برای نگران بودن درباره احساسات خود یا دیگران ممکن است مانعی برای فرد در تعقیب راهبردهای سریع زندگی باشد که در صفات سه‌گانه تاریک گنجانده شده است (جانسون و

همکاران، ۲۰۱۲؛ مک‌دونالد، دونهلن و ناوارت، ۲۰۱۱)؛ بنابراین روابط منفی بین هوش هیجانی و صفات تاریک شخصیت در قالب نظریه تکاملی تبیین‌پذیرتر به نظر می‌رسد به این صورت که افراد با صفات تاریک شخصیتی به دنبال تحقق اهداف و تمایلات خودمحورانه خود بوده و در نتیجه توجهی به دیگران نداشته و صرفاً در جهت بهره‌مندی از دیگران در راستای منافع خود هستند ویژگی‌ای که با هوش هیجانی به‌عنوان توانایی درک و تنظیم هیجان‌های خود و دیگران در تضاد قرار دارد (پتردیس و همکاران، ۲۰۰۷؛ کارول، ۱۹۹۳؛ برانیکت و همکاران، ۲۰۰۹). بینش اساسی پائولوس و ویلیامز (۲۰۰۲) این بود که صفات سه‌گانه تاریک به‌طور کاملی در قالب چارچوب‌های شخصیتی تا به امروز ارائه نشده است. اهمیت این دیدگاه توسط مطالعات پژوهشی که روابط بین صفات تاریک و سایر متغیرهای شخصیتی مرتبط را مورد بررسی قرار داده‌اند، تأیید گردیده است (لی و اشتون، ۲۰۰۵؛ وسلکا و همکاران، ۲۰۱۲). از آنجا که شخصیت به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده می‌تواند تمامی رفتارهای انسان را در عرصه زندگی شخصی و اجتماعی تحت تأثیر قرار دهد از همین رو اهمیت دیگر پژوهش حاضر بررسی روابط بین سازه‌های شخصیتی سه‌گانه تاریک و صفات شخصیتی مبتنی بر ابعاد سیستم فعال‌ساز رفتاری (BAS) و سیستم بازداری رفتاری (BIS) بود. نتایج نشان داد که رابطه مثبت بین جست‌وجوی لذت از مؤلفه‌های سیستم فعال‌ساز رفتاری با ابعاد ماکیاولیسم و پسیکوپات وجود دارد ($P < 0.01$)، سیستم بازداری رفتاری با مؤلفه پسیکوپات همبستگی مثبتی نشان داد ($P < 0.01$)؛ با توجه به همبستگی‌های مثبت سیستم‌های فعال‌ساز و بازداری رفتاری با صفت پسیکوپات، به نظر می‌رسد سیستم فعال‌ساز رفتاری و سیستم بازداری رفتاری با گرایش بیشتر به سمت صفات پسیکوپات همسویی دارند. از طرفی پژوهش‌های پیشین نشان‌دهنده همپوشی زیاد بین ماکیاولیسم، پسیکوپات و خودشیفتگی است (مک‌هلوسکی، ۱۹۹۸) و نتایج پژوهش حاضر در بررسی روابط درونی صفات سه‌گانه تاریک تأییدکننده این دیدگاه است. در مطالعات گوناگون سعی گردیده است با دربرگرفتن صفات شخصیتی شناخته‌شده در قالب چارچوبی گسترده، تمام این صفات مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد (دی‌یونگ و همکاران، ۲۰۰۲؛ دیگما، ۱۹۹۷؛ آیزنک و آیزنک، ۱۹۷۶؛ لی و اشتون، ۲۰۰۴، ماسک، ۲۰۰۷) با این حال، قالب این مطالعات به دلیل نادیده گرفتن صفات غیر بالینی پسیکوپات، ماکیاولیسم و خودشیفته ناکامل بوده و قادر به

پوشش دادن تمام ابعاد شخصیتی نیستند؛ در همین راستا پژوهش حاضر نشان داد که علاوه بر پنج عامل بزرگ، نظریه حساسیت به تقویت گری مبتنی بر سیستم‌های فعال‌ساز و بازداری رفتاری بینش‌های پیرامون روابط بین سازه‌های شخصیت مبتنی بر این نظریه و صفات سه‌گانه تاریک به دست می‌دهد. با در نظر داشتن اینکه نظریه پنج عامل بزرگ به‌عنوان یکی از شناخته‌ترین دیدگاه‌های شخصیتی دارای نقایصی است (لی و اشتون، ۲۰۰۵؛ وسلکا و همکاران، ۲۰۱۲؛ بلاک، ۲۰۱۰؛ بویل، ۲۰۰۸) و مکمل صفات سه‌گانه تاریک بیان شده است (هادسون و همکاران، ۲۰۰۹؛ جانسون و همکاران، ۲۰۱۰؛ ویلیامز و همکاران، ۲۰۱۰) و همچنین با توجه به وجود روابط بین صفات سه‌گانه تاریک با نظریه حساسیت به تقویت؛ گنجانیدن صفات تاریک شخصیت در قالب دیدگاه‌های شخصیتی ضروری به نظر می‌رسد.

در برخی پژوهش‌ها به نقش تفاوت‌های جنسی در صفات تاریک اشاره شده است و بررسی تفاوت‌های جنسی نشان‌دهنده این است که بین زنان و مردان تفاوت معناداری در صفات تاریک وجود دارد و مردان نسبت به زنان سطوح بالاتری دارند (پائولوس و ویلیامز، ۲۰۰۲). پژوهش حاضر نشان داد که در ابعاد صفات سه‌گانه تاریک تفاوت معناداری بین زنان و مردان وجود ندارد. به نظر این یافته این‌طور تبیین پذیر باشد که مطالعات پیشین صورت گرفته بر روی صفات تاریک شخصیتی و مقایسه این صفات در زنان و مردان عمدتاً در جمعیت‌های بالینی صورت گرفته است در حالی که پژوهش حاضر بر روی جمعیت بهنجار و تحصیل کرده صورت پذیرفت که ممکن است از لحاظ صفات تاریک سه‌گانه چندان شدت نداشته باشند که بتوان تفاوت‌های جنسیتی را نشان داد، از سویی دامنه سنی پژوهش حاضر محدود به گروه سنی جوانان بود و بنابراین نقش سن به‌عنوان متغیر احتمالی تأثیرگذار بر تفاوت‌های جنسیتی مورد کنترل قرار گرفته است. با این حال، مقایسه دو گروه جنسیتی در ابعاد هوش هیجانی و سیستم‌های فعال‌ساز رفتاری نشان داد که زنان در مقایسه با مردان دارای هوش هیجانی و سیستم فعال‌ساز رفتاری (BAS) بالاتری هستند. با توجه به اینکه سیستم فعال‌ساز رفتاری (BAS) با عاطفه مثبت مرتبط است، به نظر می‌رسد بین این سازه شخصیتی و هوش هیجانی روابط ساختاری و کارکردی در ابعاد زیستی و عصبی وجود داشته باشد. ارتباط مثبت این دو مؤلفه در زنان، شاید با این دیدگاه که بیان می‌کند زنان به لحاظ هیجانی و عاطفی حساسیت بیشتری دارند و بیشتر مستعد بروز

عاطفه مثبت هستند همخوانی داشته باشد. البته تبیین‌های قاطع و مستند در این حیطه نیازمند پژوهش‌های بیشتر و با در نظر داشتن متغیرهای مفروضی است که مبنای این تفاوت‌ها است. یافته‌های گزارش شده در پژوهش حاضر از داده‌های خود گزارشی به دست آمده است؛ مطالعات آینده باید داده‌های خود گزارشی را با سایر داده‌های به دست آمده از طریق ابزارهایی مانند گزارش‌های غیررسمی و همچنین مصاحبه‌ها مقایسه کرده و آن‌ها را در مقیاس بزرگتر و نمونه‌های جمعیتی مختلف بیازمایند. پژوهش حاضر بر روی جامعه دانشجویان صورت پذیرفت که به جمعیت بهنجار تعلق دارند؛ بنابراین پیشنهاد می‌گردد تا پژوهش‌های مشابهی از منظری تطبیقی بر روی گروه‌های سنی دیگر شامل نوجوانان و بزرگسالان صورت گیرد. همچنین با توجه به اینکه صفات سه گانه تاریک می‌تواند با ابعاد شخصیتی و روان‌شناختی گوناگون مرتبط باشد بنابراین، مطالعه این ابعاد مختلف به نظر می‌رسد در ایجاد و گسترش دیدگاه‌های نظری و تجربی پیرامون صفات شخصیتی تاریک با سازه‌های دیگر مانند رفتارهای اجتماعی و نظریه‌های شخصیتی سودمند باشد. همچنین باید توجه داشت که پژوهش حاضر بر روی جمعیت بهنجار صورت گرفت؛ بنابراین در تعمیم نتایج حاصل از آن به سایر گروه‌های جمعیتی و بالینی باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

منابع

- امیری، سهراب و حسنی، جعفر. (زیر چاپ). ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس فعال‌ساز رفتاری (BAS) و بازداری رفتاری (BIS) مرتبط با تکانش‌گری و اضطراب.
- خسرو جاوید، مهناز. (۱۳۸۱). بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس هوش هیجانی شات در نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه تربیت مدرس.
- سپهریان آذر، فیروزه. (۱۳۹۰). هوش هیجانی، از IQ تا EQ و SQ. ارومیه: انتشارات جهاد دانشگاهی ارومیه، چاپ دوم. ص ۴۵-۴۸.
- یعقوبی، ابوالقاسم و امیری، سهراب. (زیر چاپ). ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سه گانه تاریک شخصیت.

- Akerjordet K, & Severinsson E. (2007). Emotional intelligence: a review of the literature with specific focus on empirical and epistemological perspectives. *Journal of Clinical Nursing*, 16, 1405-16.
- Ali, F., Amorim, I. S., & Chamorro-Premuzic, T. (2009). Empathy deficits and trait

- emotional intelligence in psychopathy and Machiavellianism. *Personality and Individual Differences*, 47, 758-762.
- Austin, E. J. (2009). A reaction time study of responses to trait and ability emotional intelligence test items. *Personality and Individual Differences*, 46, 381-383.
- Austin, E. J., Farrelly, D., Black, C., & Moore, H. (2007). Emotional intelligence, Machiavellianism and emotional manipulation: Does EI have a dark side? *Personality and Individual Differences*, 43, 179-189.
- Block, J. (2010). The five-factor framing of personality and beyond: Some ruminations. *Psychological Inquiry*, 21, 2-25.
- Board, B. J., & Fritzon, K. (2005). Disordered personalities at work. *Psychology, Crime and Law*, 11, 17-32.
- Boyle, G. J. (2008). Critique of the five-factor model of personality. In G. J. Boyle, G. Matthews, & D. H. Saklofske (Eds.), *The SAGE handbook of personality theory and assessment. Personality theories and models* (Vol. 1, pp. 295-312). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Brannick, M. T., Wahi, M. M., Arce, M., Johnson, H. A., Nazian, S., & Goldin, S. B. (2009). Comparison of trait and ability measures of emotional intelligence in medical students. *Medical Education*, 43(11), 1062-1068.
- Burrus, J., Betancourt, A., Holtzman, S., Minsky, J., MacCann, C., & Roberts, R. D. (2012). Emotional intelligence relates to well-being: Evidence from the situational judgment test of emotional management. *Applied Psychology: Health and Well-Being*, 4, 151-166.
- Buss, D. M. (2009). How can evolutionary psychology explain personality and individual differences? *Perspectives in Psychological Science*, 4, 359-366.
- Campbell, W. K., & Foster, J. D. (2007). The narcissistic self: Background, an extended agency model, and ongoing controversies. In C. Sedikides & S. J. Spencer (Eds.), *The self* (pp. 115-138). New York, NY: Psychological Press.
- Carroll, J. B. (1993). *Human cognitive abilities: A survey of factor-analytic studies*. New York: Cambridge.
- Carver, C. S., & White, T. L. (1994). Behavioral Inhibition, Behavioral Activation, and Affective Responses to Impending Reward and Punishment: The BIS/BAS Scales. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67, 319-333.
- Christie, R., & Geis, F. L. (1970). *Studies in Machiavellianism*. New York, NY: Academic Press.
- Ciarrochi, J. V., Deane, F. P. & Anderson, S. (2002). Emotional intelligence moderates the relationship between stress and mental health. *Personality and Individual Differences*, 32, 197-209.
- Core, P. J. (2008). *The Reinforcement Sensitivity Theory of Personality*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Corr, P. J. (2004). Reinforcement sensitivity theory and personality. *Neuroscience and Biobehavioral Reviews*, 28, 317-332.
- DeYoung, C. G., Peterson, J. B., & Higgins, D. M. (2002). Higher-order factors of the Big Five predict conformity: Are there neuroses of health? *Personality and Individual Differences*, 33, 533-552.
- Digman, J. M. (1997). Higher-order factors of the Big Five. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 1246-1256.
- Domelsmith, D. E., & Dietch, J. T. (1978). Sex differences in the relationship between

- Machiavellianism and self-disclosure. *Psychological Reports*, 42, 715–721.
- Eysenck, H. J., & Eysenck, S. B. G. (1976). *Psychoticism as a dimension of personality*. London: Hodder & Stoughton.
- Farwell, L., & Wohlwend-Lloyd, R. (1998). Narcissistic processes: Optimistic expectations, favorable self-evaluations, and self-enhancing attributions. *Journal of Personality*, 66, 65-83.
- Foster, J. D., & Campbell, W. K. (2005). Narcissism and resistance to doubts about romantic partners. *Journal of Research in Personality*, 39, 550–557.
- Foster, J. D., Campbell, W. K., & Twenge, J. M. (2003). Individual differences in narcissism: Inflated self-views across the lifespan and around the world. *Journal of Research in Personality*, 37, 469–486.
- Furnham, A., Richards, S., & Paulhus, D. (2013). The Dark Triad: A 10 year review. *Social and Personality Psychology Compass*, 7, 199–215.
- Gray, J. A., & McNaughton, N. (2000). *The neuropsychology of anxiety: An enquiry into the functions of the septohippocampal system* (2nd ed.). New York: Oxford University Press.
- Gray, J. A. (1987). *The psychology of fear and stress* (2nd ed). Cambridge: Cambridge University Press.
- Hare, R. D. (1985). Comparison of procedures for the assessment of psychopathy. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 53, 7–16.
- Harpur, T. J., & Hare, R. D. (1994). Assessment of psychopathy as a function of age. *Journal of Abnormal Psychology*, 103, 604-609.
- Hickman, S. E., Watson, P. J., & Morris, R. J. (1996). Optimism, pessimism, and the complexity of narcissism. *Personality and Individual Differences*, 20, 521–525.
- Hodson, G., Hogg, S. M., & MacInnis, C. C. (2009). The role of “dark personalities” (narcissism, Machiavellianism, psychopathy), Big Five personality factors, and ideology in explaining prejudice. *Journal of Research in Personality*, 43, 686–690.
- Jakobwitz, S., & Egan, V. (2006). The Dark Triad and normal personality traits. *Personality and Individual Differences*, 40, 331-339.
- Johnson, A. M., Vernon, P. A., & Feiler, A. R. (2008). Behavioral genetic studies of personality: An introduction and review of the results of 50+ years of research. In G. J. Boyle, G. Matthews, & D. H. Saklofske (Eds.), *The Sage handbook of personality theory and assessment*, Volume 1. Los Angeles: Sage.
- Johnson, S. J., Batey, M., & Holdsworth, L. (2009). Personality and health: The mediating role of Trait Emotional Intelligence and work locus of control. *Personality and Individual Differences*, 47, 470-475.
- Jonason, P. K., & Krause, L. (2013). The emotional deficits associated with the Dark Triad traits: Cognitive empathy, affective empathy, and alexithymia. *Personality and Individual Differences*, 55, 532-537.
- Jonason, P. K., Koenig, B., & Tost, J. (2010). Living a fast life: The Dark Triad and Life History Theory. *Human Nature*, 21, 428–442.
- Jonason, P. K., Li, N. P., & Teicher, E. A. (2010). Who is James Bond? The Dark Triad as an agentic social style. *Individual Differences Research*, 8, 111-120.
- Jonason, P. K., Webster, G. D., Schmitt, D. P., Li, N. P., & Crysel, L. (2012). The antihero in popular culture: A life history theory of the Dark Triad. *Review of General Psychology*, 16, 192–199.

- Jones, D. N., & Paulhus, D. L. (2010). Different provocations trigger aggression in narcissists and psychopaths. *Social Psychological and Personality Science*, 1, 12–18.
- Jones, D. N., & Paulhus, D. L. (2014). Introducing the Short Dark Triad (SSD3): A brief measure of dark personality trait. *Assessment*, 21, 28-41.
- Kowalski, R. M. (Ed.). (2001). *Behaving badly: Aversive behaviors in interpersonal relationships*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Lee, K., & Ashton, M. C. (2004). Psychometric properties of the HEXACO Personality Inventory. *Multivariate Behavioral Research*, 39, 329-358.
- Lee, K., & Ashton, M. C. (2005). Psychopathy, Machiavellianism, and narcissism in the Five-Factor Model and the HEXACO model of personality structure. *Personality and Individual Differences*, 38, 1571-1582.
- Levenson, M. R. (1992). Rethinking psychopathy. *Theory and Psychology*, 2, 51–71.
- Levenson, M. R., Kiehl, K. A., & Fitzpatrick, C. M. (1995). Assessing psychopathic attributes in a noninstitutionalised population. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68, 151–158.
- Malterer, M. B., Glass, S. J., & Newman, J. P. (2008). Psychopathy and trait emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 44, 735-745.
- Martins, A., Ramalho, N., & Morin E. (2010). A comprehensive meta-analysis of the relationship between emotional intelligence and health. *Personality and Individual Differences*, 49,554-564.
- Mavroveli, S., Petrides, K. V., Sangareau, Y., & Furnham, A. (2009). Relating trait emotional intelligence to objective socioemotional outcomes in childhood. *British Journal of Educational Psychology*, 79, 259-272.
- Mayer, J. D., Salovey, P., & Caruso, D. R. (1999). Emotional intelligence meets traditional standards for an intelligence. *Intelligence*, 27, 267-98.
- McDonald, M. M., Donnellan, M. B., & Navarrete, C. D. (2011). A life history approach to understanding the Dark Triad. *Personality and Individual Differences*, 52, 601–605
- Mikolajczak, M., Bodarwe, K., Laloyaux, O., Hansenne, M., & Nelis, D. (2010). Association between frontal EEG asymmetries and emotional intelligence among adults. *Personality and Individual Differences*, 48, 177–181.
- Mudrack, P. E. (1989). Group cohesiveness and productivity: A closer look. *Human Relations*, 42, 771-785.
- Musek, J. (2007). A general factor of personality: Evidence for the Big One in the five-factor model. *Journal of Research in Personality*, 41, 1213–1233.
- Patrick, C. J., & Lang, A. R. (1999). Psychopathic traits and intoxicated states: Affective concomitants and conceptual links. In M. E. Dawson, A. M. Schell, & A. H. Boehmelt (Eds.), *Startle modification: Implications for neuroscience, cognitive science, and clinical science*. New York: Cambridge University Press.
- Paulhus, D. L., & Jones, D. N. (2011). A short measure of the Dark Triad. Presented at meeting of the Society for Personality and Social Psychology, San Antonio, Texas.
- Paulhus, D. L., & Williams, K. M. (2002). The Dark Triad of personality: Narcissism, machiavellianism, and psychopathy. *Journal of Research in Personality*, 36, 556–563.
- Petrides, K. V. (2010). An application of belief-importance theory with reference to the

- Big Five and trait emotional intelligence. *Social Behavior and Personality*, 38, 967-710.
- Petrides, K. V., Pérez-González, J. C., & Furnham, A. (2007). On the criterion and incremental validity of trait emotional intelligence. *Cognition & Emotion*, 21, 26-55.
- Petrides, K. V., Pita, R., & Kokkinaki, F. (2007). The location of trait emotional intelligence in personality factor space. *British Journal of Psychology*, 98, 273-289.
- Petrides, K. V., Vernon, P. A., Schermer, J. A., & Veselka, L. (2011). Trait emotional intelligence and the Dark Triad of personality. *Twin Research and Human Genetics*, 14, 35-41.
- Petrides, K. V., Vernon, P. A., Schermer, J. A., Ligthart, L., Boomsma, D. I., & Veselka, L. (2010). Relationships between trait emotional intelligence and the Big Five in the Netherlands. *Personality and Individual Differences*, 48, 906-910.
- Pilch, I. (2008). Machiavellianism, emotional intelligence and social competence: Are Machiavellians interpersonally skilled? *Polish Psychological Bulletin*, 39, 158-164.
- Raskin, R., Novacek, J., & Hogan, R. (1991). Narcissism, self-esteem, and defensive self-enhancement. *Journal of Personality*, 59, 19-38.
- Ross, S. R., Lutz, C. J., & Bailley, S. E. (2004). Psychopathy and the five factor model in a noninstitutionalized sample: a domain and facet level analysis. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 26, 213-223.
- Rushton, J. P., Bons, T. A., Hoor, Y-M, Ando, J., Irwin, P., Vernon, P. A., Petrides, K. V., & Barbaranelli, C. (2009). A general factor of personality from cross national twins and multi-trait multimethod data. *Twin Research and Human Genetics*, 12, 356-365.
- Saklofske, D. H., Austin, E. J., & Minski, P. S. (2003). Factor structure and validity of a trait emotional intelligence measure. *Personality and Individual Differences*, 34, 707-721.
- Schutte, N. S., Malouff, J. M., Hall, L. E., Haggerty, D. J., Cooper, J. T., Golden, C. J., & et al. (1998). Development and validation of a measure of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 25, 167-177.
- Smith, L., Ciarrochi, J., & Heaven, P. C. L. (2008). The stability and change of trait emotional intelligence, conflict communication patterns, and relationship satisfaction: A one-year longitudinal study. *Personality and Individual Differences*, 45, 738-743.
- Stead, R., Fekken, G. C., Kay, A., McDermott, K. (2012). Conceptualizing the Dark Triad of personality: Links to Social Symptomatology. *Personality and Individual Differences*, 53, 1023-1028.
- Trijsburg, R. W., & Duivenwoorden, H. J. (1987). Reactive narcissistic character, obsessional personality and obsessive-compulsive behaviour: A study of the validity of Sandler and Hazari's typology. *British Journal of Medical Psychology*, 60, 271-278.
- Twenge, J. M., & Campbell, K. W. (2003). "Isn't it fun to get the respect that we're going to deserve?" Narcissism, social rejection, and aggression. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29, 261-272.
- Uva, M. C. D., de Timary, P., Cortesi, M., Mikolajczak, M., de Blicquy, P. D., &

- Luminet, O. (2010). Moderating effect of emotional intelligence on the role of negative affect in the motivation to drink in alcohol-dependent subjects undergoing protracted withdrawal. *Personality and Individual Differences*, 48, 16-21.
- Varga, M. P. (1987). Differential roles of narcissism in health vs. pathological love relationships. *Issues in Ego Psychology*, 10, 19-28.
- Veselka, L., Schermer, J. A., & Vernon, P. A. (2012). The Dark Triad and an expanded framework of personality. *Personality and Individual Differences*, 53, 417-425.
- Wai, M., & Tiliopoulos, N. (2012). The affective and cognitive empathic nature of the dark triad of personality. *Personality and Individual Differences*, 52, 794-799.
- Watson, D. (2000). *Mood and temperament*. New York: Guilford Press.
- Watson, P. J., & Morris, R. J. (1991). Narcissism, empathy and social desirability. *Personality and Individual Differences*, 12, 575-579.
- Watson, P. J., McKinney, J., Hawkins, C., & Morris, R. J. (1988). Assertiveness and narcissism. *Psychotherapy: Theory, Research, Practice, Training*, 25, 125-131.
- Williams, C., Daley, D., Burnside, E., & Hammond-Rowley, S. (2010b). Does item overlap account for the relationship between trait emotional intelligence and psychopathology in preadolescents? *Personality and Individual Differences*, 48, 867-871.
- Williams, K. M., Nathanson, C., & Paulhus, D. L. (2010). Identifying and profiling scholastic cheaters: Their personality, cognitive ability, and motivation. *Journal of Experimental Psychology: Applied*, 16, 293-307.
- Wilson, D. S., Near, D., & Miller, R. R. (1996). Machiavellianism: A synthesis of the evolutionary and psychological literatures. *Psychological Bulletin*, 119, 285-299.
- World Health Organization. (1992). *International classification of diseases and related health problems (10th revision)*. Geneva, Switzerland: World Health Organization.
- Zeidner, M., Matthews, G., & Roberts, R. D. (2012). The emotional intelligence, health, and well-being nexus: What have we learned and what have we missed? *Applied Psychology: Health and Well-Being*, 4, 1-30.
- Zhang, w., Zou, H., Wang, M., & Finy, M. S. (2015). The role of the Dark Triad traits and two constructs of emotional intelligence on loneliness in adolescents. *Personality and Individual Differences*, 75, 74-79.